

شستا در مسیر سهامداری حرفه‌ای

خروج تدریجی شستا از مدیریت مستقیم شرکت‌ها و تمرکز بر سهامداری، راهی برای شفافیت بیشتر، تقویت بخش خصوصی و افزایش بازده سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی است

شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) در یک سال اخیر رویکردی جدید در دستور کار خود قرار داده است؛ رویکردی که بر خروج تدریجی از بنگاه‌داری سنتی و حرکت به سمت سهامداری حرفه‌ای استوار است. این تغییر جهت، به معنای بازتعریف نقش شستا در اقتصاد ملی و تمرکز بیشتر بر جایگاه سیاست‌گذار و ناظر است. چنین مسیری همسوی با الزامات برنامه هفتم توسعه و سیاست‌های کلان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی طراحی شده و در عمل می‌تواند گامی مهم برای ارتقای شفافیت، افزایش بهره‌وری و کاهش تصدی‌گری در ساختار اقتصادی کشور باشد.

در همین چارچوب، شستا اعلام کرده که عرضه اولیه سهام سه شرکت مهم یعنی ایران سازه، سایبر و سیمان زنجان - که از زیرمجموعه‌های هلدینگ سیمان تأمین هستند - به‌زودی اجرایی خواهد شد. این اقدام علاوه بر آنکه به معنای واگذاری بخشی از دارایی‌های شستا در بازار سرمایه است، بستر حضور فعال‌تر بخش خصوصی توانمند را فراهم می‌آورد و می‌تواند توسعه پایدار این صنایع را در بلندمدت تضمین کند. به بیان دیگر، حرکت به سوی بورس نه تنها شفافیت مالی را افزایش می‌دهد بلکه مسیر تازه‌ای برای تأمین مالی، جذب سرمایه‌های خرد و کلان و تقویت رقابت‌پذیری در صنایع کلیدی کشور می‌شاید.

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در توضیح اهمیت این سیاست تصریح کرده است: نجات این وزارتخانه از بنگاه‌داری صرفاً یک اصلاح اداری ساده نیست، بلکه ضرورتی راهبردی برای آینده‌ورزانه و ذی‌نفعان آن به شمار می‌رود. او معتقد است که خروج تدریجی از کاران دولت از عرصه تصدی‌گری، بستر ساز توسعه پایدار اقتصاد ایران خواهد بود. چنین نگرشی نشان می‌دهد که موضوع، صرفاً انتقال مالکیت چند شرکت نیست بلکه تغییری عمیق در نقش دولت و نهادهای وابسته در اقتصاد است.

از سوی دیگر، محمدرضا سعیدی، مدیرعامل هلدینگ سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی «شستا» نیز تأکید کرده که این مجموعه خود را مکلف می‌داند اجرای مفاد برنامه هفتم توسعه را مطلقاً به خروج از بنگاه‌داری و مدیریت کنترلی کند و در مسیر سهامداری حرفه‌ای حرکت نماید.

او توضیح داده که تحقق این هدف نیازمند بسته‌ای جامع از تدابیر و سیاست‌های اجرایی در عرضه‌های متنوع خواهد بود. به گفته او، حرکت باید از تنوع پراکنده به سمت تمرکز، از دارایی‌های غیر بورسی به بورسی، از صنایع کم‌فناوری به صنایع پیشرفته، از حوزه‌های محلی به شرکت‌های جهان‌تراز و از بنگاه‌های کوچک و متوسط به سوی بنگاه‌های بزرگ و رقابت‌پذیر باشد. این نقشه راه در واقع نشان می‌دهد که خروج از بنگاه‌داری نه یک تصمیم کوتاه‌مدت، بلکه یک تحول ساختاری و گام بلند برای تبدیل شستا به نهادی سرمایه‌گذار و اثرگذار در اقتصاد ملی است.

پیامدهای مثبت خروج از بنگاه‌داری

نوید جوکار، کارشناس بازار سرمایه، در گفتگو با آتی‌نو با اشاره به اینکه سیاست شستا مبنی بر خروج از بنگاه‌داری و تمرکز بر سهامداری، تبعات متعددی برای این هلدینگ دارد، گفت: «نخستین پیامد مثبت این رویکرد، افزایش شفافیت است. حضور بیشتر دارایی‌های شستا در بورس به معنای آن است که صورت‌های مالی، عملکرد مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های کلان این مجموعه زیر ذره‌بین بازار

و سرمایه‌گذاران قرار دارد. این شفافیت علاوه بر ارتقای اعتماد عمومی، زمینه‌ساز بهبود حاکمیت شرکتی نیز خواهد شد.»

او افزود: «از طرفی، این سیاست موجب ارتقای بهره‌وری سرمایه می‌شود. اداره مستقیم شرکت‌های متعدد و متنوع، همواره بخش بزرگی از منابع شستا را درگیر کرده و مانع از تمرکز بر حوزه‌های استراتژیک شده بود. با واگذاری مدیریت بنگاه‌ها به بخش خصوصی و تمرکز بر سهامداری، شستا می‌تواند سرمایه‌های خود را به سمت صنایع با فناوری بالا، بنگاه‌های بزرگ و پروژه‌های کلان هدایت کند؛ امری که به افزایش بازده سرمایه‌گذاری و تقویت جایگاه رقابتی این مجموعه در اقتصاد ملی می‌انجامد.»

اثرگذاری بر بازار سرمایه و بخش خصوصی

جوکار ادامه داد: «در بعد کلان‌تر، خروج از بنگاه‌داری به معنای تقویت بخش خصوصی است. عرضه سهام شرکت‌ها در بورس و واگذاری آن‌ها به فعالان اقتصادی، فرصت ورود سرمایه‌های مردمی و خصوصی را فراهم می‌آورد و به پویایی بازار سرمایه کمک می‌کند. این فرآیند در نهایت منجر به توسعه بنگاه‌های بزرگ و توانمند می‌شود که می‌توانند در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی رقابت کنند.»

او با اشاره به تأثیر مستقیم این سیاست بر بازار سرمایه گفت: «یکی دیگر از پیامدهای مثبت این تصمیم، افزایش جذابیت بازار سرمایه است. عرضه اولیه شرکت‌های بزرگ شستا، عمق و تنوع بورس را بیشتر کرده و فرصت‌های تازه‌ای برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند. این امر نقدینگی سرگردان جامعه را به سمت فعالیت‌های مولد سوق می‌دهد و مانع از حرکت آن به بازارهای غیرمولد همچون ارز و طلا می‌شود. در بلندمدت، رونق بازار سرمایه به معنای رشد اقتصادی پایدارتر و متوازن‌تر خواهد بود.»

او افزود که این تحول تنها محدود به جنبه مالی نیست، بلکه

از منظر فرهنگی و اجتماعی نیز آثار مثبتی خواهد داشت. «زمانی که بخش خصوصی واقعی وارد میدان می‌شود، انگیزه‌های کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری در اقتصاد افزایش پیدا می‌کند. شستا با این تصمیم می‌تواند الگویی برای سایر هلدینگ‌های دولتی و شبه‌دولتی باشد و نشان دهد که خروج از تصدی‌گری به معنای از دست دادن نفوذ نیست، بلکه راهی برای تقویت نقش راهبردی و پایدارتر در اقتصاد کشور است.»

جوکار همچنین خاطرنشان کرد: «کاهش تصدی‌گری شستا در مدیریت روزمره شرکت‌ها، امکان تمرکز این هلدینگ بر نقش سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری راهبردی مؤثرتر را فراهم می‌کند. چنین تغییری سبب می‌شود که شستا به جای درگیر شدن با مشکلات عملیاتی شرکت‌های کوچک و متوسط، نقش آفرینی خود را در پیشبرد اهداف کلان هلدینگ‌ها و امور سرمایه‌گذاری به صورت کاراتری راهبری نماید.»

تحولی ساختاری با پیامدهای بلندمدت

به باور این کارشناس بازار سرمایه، خروج شستا از بنگاه‌داری، نه یک جابه‌جایی ساده در ساختار مالکیتی، بلکه یک تحول راهبردی با پیامدهای بلندمدت است. او توضیح داد: «این سیاست به معنای تغییر نگاه از اداره مستقیم بنگاه‌ها به سمت سرمایه‌گذاری کلان و هوشمندانه است. شستا دیگر به جای مدیریت مستقیم ده‌ها شرکت کوچک و بزرگ، تمرکز خود را بر سرمایه‌گذاری در صنایع کلیدی، شرکت‌های فناوری محور و بنگاه‌های بزرگ قرار می‌دهد.»

او افزود: «یکی از آثار بلندمدت این سیاست، بهبود تراز مالی و کاهش هزینه‌های مدیریتی شستا است. زمانی که یک هلدینگ بزرگ درگیر اداره روزمره صدها شرکت متنوع باشد، بخش قابل توجهی از هزینه‌های آن صرف

ساختارهای مدیریتی، نیروی انسانی و هزینه‌های عملیاتی می‌شود. این در حالی است که واگذاری مدیریت شرکت‌ها به بخش خصوصی و تمرکز بر سهامداری، این هزینه‌ها را به شکل محسوسی کاهش می‌دهد و در مقابل، جریان درآمدی پایدارتر و سودآورتر برای صندوق تأمین اجتماعی ذی‌نفعان اجتماعی آن ایجاد می‌کند.»

جوکار تأکید کرد: «باید توجه داشت این رویکرد تنها به نفع شستا نیست، بلکه به نفع کل اقتصاد ایران است. وقتی بخش خصوصی توانمند می‌شود و سرمایه‌های مردمی به سوی بازار سرمایه هدایت می‌شوند، گردش مالی در کشور نیز شفاف‌تر، رقابتی‌تر و کارآمدتر خواهد شد. در چنین فضایی، امکان سوءاستفاده از منابع عمومی کاهش یافته و مسیر برای توسعه پایدار هموارتر می‌شود.»

او در ادامه افزود: «شستا با این تغییر رویکرد، می‌تواند سرمایه‌های خود را در حوزه‌های کلیدی همچون انرژی‌های نو، صنایع پیشرفته، حمل‌ونقل مدرن و فناوری اطلاعات متمرکز کند؛ حوزه‌هایی که نه تنها سودآوری بالاتری دارند بلکه برای آینده اقتصاد کشور نیز حیاتی‌اند. این تمرکز جدید، هلدینگ را از یک مجموعه صرفاً مالک دارایی، به یک سرمایه‌گذار نهادی اثرگذار و هدایت‌گر بدل می‌کند.»

در نهایت باید گفت، سیاست خروج از بنگاه‌داری برای شستا نوعی بازتعریف نقش است. این مجموعه دیگر صرفاً مالک ده‌ها شرکت در حوزه‌های مختلف نخواهد بود، بلکه به یک سرمایه‌گذار نهادی قدرتمند تبدیل می‌شود که می‌تواند با تصمیم‌های هوشمندانه و تمرکز بر صنایع کلیدی، هم‌بازده مالی بالاتری برای ذی‌نفعانش فراهم آورد و هم به توسعه پایدار اقتصاد کشور کمک کند. چنین مسیری، اگر با شفافیت، نظارت مستمر و برنامه‌ریزی دقیق همراه شود، نه تنها آینده شستا بلکه آینده اقتصاد ایران را نیز متحول خواهد کرد.

یادداشت

O P I N I O N

کامران ندری

کارشناس مسائل اقتصادی

راهکارهای

تأمین مالی غیرتورمی

کنترل تورم و ایجاد ثبات اقتصادی از وظایف اصلی هر سیاستگذار پولی است. تجربه جهانی نشان داده موفقیت در این زمینه بیش از هر چیز به توانایی بانک‌های مرکزی در تنظیم تعادل میان عرضه و تقاضای منابع مالی وابسته است. نرخ بهره، به عنوان ابزار اصلی سیاست پولی، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت جریان اعتبارات و مدیریت انتظارات تورمی دارد و می‌تواند تعادل میان نیاز واقعی اقتصاد و حجم نقدینگی موجود را برقرار کند. در بسیاری از کشورها، زمانی که اقتصاد با فشار تورمی مواجه می‌شود، بانک مرکزی نرخ بهره را افزایش می‌دهد تا هزینه تأمین اعتبار بالا رود و تقاضای اضافی برای منابع مالی کاهش یابد. این سازوکار، تقاضا را با ظرفیت واقعی تولید هماهنگ و فشارهای تورمی را کنترل می‌کند.

با این حال، تجربه اقتصادی کشور ما نشان می‌دهد استفاده از نرخ بهره به عنوان ابزار سیاستی کمتر عملی شده است و به جای آن، سیاست‌ها و ابزارهای جایگزین برای کنترل تورم و تأمین مالی به کار گرفته شده‌اند. محدودیت‌های قانونی و ساختاری در بانک مرکزی مانع بهره‌گیری مؤثر از نرخ بهره شده و هیچ‌یک از رؤسای پیشین بانک مرکزی نتوانسته‌اند زمینه لازم را برای استفاده از این متغیر فراهم کنند. در نتیجه، ابزارهایی مانند تثبیت نرخ ارز، کنترل ترانزنامه، اوراق گام، فکتورینگ، تأمین مالی زنجیره‌ای و برات الکترونیکی طراحی و اجرا شده‌اند تا مدیریت نقدینگی و دسترسی تولیدکنندگان به منابع مالی ممکن شود. با وجود این، به دلیل غیاب نرخ بهره به عنوان متغیر کلیدی، این ابزارها نتوانسته‌اند اهداف خود در کاهش تورم را محقق کنند و گاه خود موجب تشدید آن شده‌اند.

به عنوان مثال، اوراق گام برای اطمینان از دسترسی تولیدکنندگان به منابع مالی طراحی شده، اما تأمین مالی هدفمند محسوب نمی‌شود و بخش خاصی از تولید را هدف نمی‌گیرد. اگر حجم اعتبارات فراتر از ظرفیت بالقوه اقتصاد باشد، اوراق گام نیز می‌تواند موجب افزایش تورم شود، به ویژه زمانی که عرضه برخی نهادهای تولید محدود باشد. در چنین شرایطی، رقابت میان تولیدکنندگان برای دسترسی به منابع محدود، مانند ورق آهن یا مصالح ساختمانی، باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود. صنعت خودروسازی نمونه‌ای از این وضعیت است؛ تولیدکنندگان دارای اوراق گام برای خرید ورق آهن محدود رقابت می‌کنند و این محدودیت عرضه قیمت‌ها را بالا می‌برد، در نتیجه تأمین مالی از طریق این ابزار مالی نیز می‌تواند تورم را باشد. این تجربه نشان می‌دهد استفاده از ابزارهایی مانند اوراق گام، تنها زمانی در کنترل تورم مؤثر است که تقاضای اعتباری اقتصاد از طریق نرخ بهره به سطحی متناسب با ظرفیت تولیدی کشور تنظیم شود. به بیان دیگر، بدون بهره‌گیری فعال از نرخ بهره، سایر ابزارهای تأمین مالی نه تنها به کاهش تورم کمک نمی‌کنند، بلکه ممکن است خود عاملی برای تشدید آن شوند. سیاستگذار پولی برای دستیابی به ثبات اقتصادی نیاز دارد نرخ بهره را به عنوان محور اصلی تصمیم‌گیری در نظر گیرد و دیگر ابزارها را در چارچوب آن تنظیم کند.

در مجموع باید گفت، نرخ بهره ابزار اصلی سیاست پولی است و بدون بستر قانونی و ساختاری مناسب، سایر ابزارها قادر به کنترل تورم و ایجاد ثبات اقتصادی پایدار نخواهند بود.

66

تمرکز شستا

بر سهامداری

حرفه‌ای

با کاهش

تصدی‌گری

و هدایت

سرمایه‌ها

به صنایع

کلیدی موجب

تقویت بخش

خصوصی،

جذب

سرمایه‌های

خرد و کلان

و افزایش

رقابت‌پذیری

و پایداری

اقتصاد ملی

می‌شود

ابزارهای نوین مالی در بازار سرمایه نیز نقش پشتیبان این تحولات را ایفا می‌کند. حضور پررنگ‌تر در بورس؛ به‌ویژه از طریق صندوق‌های بخشی سیمان و املاک و مستغلات، منابع لازم برای توسعه پروژه‌ها را تأمین می‌کند. تجربه موفق صادرات بیش از ۶ میلیون تن سیمان و کلینکر در سال گذشته نشان می‌دهد که هلدینگ توان ورود به بازارهای جدید را دارد. تقویت زیرساخت حمل‌ونقل و انعقاد قراردادهای بلندمدت با مشتریان خارجی، مسیر رشد صادراتی را پایدارتر می‌کند و به جریان مطمئن درآمد ارزی برای کشور منجر می‌شود. با این رویکرد، هلدینگ سی‌تا نه تنها تولیدکننده‌ای بزرگ در بازار داخلی است، بلکه به عنوان بازیگری کلیدی در بازارهای منطقه‌ای و توسعه صادراتی سیمان و کلینکر شناخته می‌شود؛ جایگاهی که حاصل مدیریت هوشمند زنجیره ارزش، تنوع محصولات و بهره‌وری مستمر در صنعت انرژی‌بر سیمان است.

صنعت سیمان به دلیل مصرف بالای انرژی، همواره با چالش هزینه‌های تولید روبه‌رو بوده است. این هلدینگ با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و بهینه‌سازی مصرف انرژی، درصدد کاهش هزینه تمام‌شده تولید و تضمین سودآوری پایدار است؛ اقدامی که اثرات اقتصادی و زیست‌محیطی مثبت نیز به همراه دارد.

افق صادراتی و ابزارهای مالی نوین

سیم‌تا با دسترسی گسترده به بازارهای منطقه‌ای و مزیت‌های جغرافیایی ایران، تقویت صادرات سیمان و کلینکر را به عنوان یکی از اولویت‌های جدی دنبال می‌کند. این مسیر هم موجب ورود ارز و هم ارتقای برند ایرانی در بازارهای منطقه‌ای می‌شود. هلدینگ با ایجاد زیرساخت‌های صادراتی در مبادی خروجی و احداث آسیاب سیمان در کشورهای همسایه، قصد دارد جریان پایدار درآمد ارزی را برای کشور تضمین کند. استفاده از

کرد که طی دو تا سه سال آینده، ۷ شرکت زیرمجموعه سی‌تا به شبکه ریلی متصل خواهند شد تا روند حمل‌ونقل و توزیع محصولات بهبود یابد.

تمرکز بر بهره‌وری و تنوع محصولات

آینده صنعت سیمان فراتر از افزایش ظرفیت تولید، وابسته به مدیریت هوشمند زنجیره ارزش است. سی‌تا در این مسیر بر افزایش ذخایر کلینکر، ماده اولیه استراتژیک صنعت، تمرکز دارد تا ضمن تضمین پایداری تولید، جایگاه خود را در بازار صادرات منطقه‌ای تقویت کند. علاوه بر این، تنوع سبد محصولات یکی از راهبردهای اصلی هلدینگ است؛ سهم «سیمان آمیخته» به‌ویژه در فروش سیمان کیسه‌ای در حال افزایش است تا نیاز پروژه‌های ساختمانی کوچک و مصرف‌کنندگان نهایی به محصول با دوام و قیمت مناسب پاسخ داده شود. بهبود بهره‌وری نیز محور دیگری از برنامه‌های سی‌تا است.

بازار سیمان ایران از ارکان حیاتی صنعت ساخت‌وساز و پروژه‌های عمرانی به شمار می‌رود و نقش کلیدی در توسعه زیرساخت‌ها، مسکن و پروژه‌های بزرگ دارد. در چنین بازاری، هلدینگ سیمان تأمین «سیتا» که زیرمجموعه شستا محسوب می‌شود، توانسته سهم ۱۴ درصدی از کل تولید سیمان کشور را در اختیار گیرد. محمدرضا محمدی، مدیرعامل سی‌تا، با تأکید بر جایگاه ایران در رتبه ششم جهان میان تولیدکنندگان سیمان، اعلام کرد که شرکت‌های تابعه این هلدینگ در ۱۴ استان فعال هستند و در سال ۱۴۰۳ موفق به تولید ۷۰۰ میلیون تن سیمان و ۷۳ میلیون تن کلینکر شده‌اند. همچنین صادرات سیمان و کلینکر این هلدینگ به بازارهای خارجی ۱۰۶ میلیون تن برآورد شد. این آمار همراه با رشد قابل توجه سود سی‌تا نشان‌دهنده تحرک مثبت این هلدینگ است. سود سی‌تا در سال گذشته ۶۴ درصد افزایش یافته و سود خالص تلفیقی نیز ۳۹ درصد رشد داشته است. محمدی اعلام